آتش و آتشکده

قویم الدوله

امروز فایده و مورد استعمال آتش بر همه معلوم‏ است و خوب میدانیم اگر آتش نباشد ناچاریم‏ خوراک خود را خام بخوریم و در زمستان از سرما بلرزیم.لکن انسانهای اولیّه قرنهای بسیار از این نعمت محروم بوده و بواسطه فقدان آتش مکان ثابتی نداشته‏اند چه آنان که بگوشت شکار سدّ جوع میکرده مدام از جنگلی به جنگلی‏ در پی حیوانات میدویدند و کسانی که از شیر تغذیه می‏نموده پیوسته‏ گاو گوسپند خو درا از مرتعی به مرتع دیگر به چرا میبردند.

کشف‏ آتش

پیدایش آتش سبک زندگانی بشر را بکلّی‏ تغییر داده و او را از حالت آوارگی بدویت به‏ جادّهء تمدن انداخته است:

آتش به اشکال مختلفه از قبیل خور و کوه آتشفشان در طبیعت موجود است،و گاه‏گاهی درختهای کهن‏ جنکل بخودی خود آتش میگیرد.ولی باید دانست که نخستین آتش‏ مصنوعی را که افروخت و چگونه افروخت.اگر تاریخ نام کاشف آتش‏ و بسیاری از چیزهای مهم دیگر را-که بواسطهء اکتشافات مفیده خود خدمات بزرگ بعالم انسانیت کرده‏اند-نتوانسته است ضبط کند لکن‏ چگونگی کشف آن را میتوان حدس زد.

آتش باید در عصر حجری قدیم(دورهء ماقبل تاریخ)جائی که‏ اسلحه و افزار سنگی میساخته‏اند کشف شده باشد.به این ترتیب که‏ روزی برحسب اتفاق جرقه‏ای از سنگ چقماق حادص و روی مادهء قابل‏ اشتعالی افتاده تولید آتش کرده است و یکی از مستعدّین دیده و بفطانت ذاتی دریافته است که اصطکاک ایجاد حرارت و جرقه میکند.-امروز هم وحشیان‏ صحاری افریقا و استرالیا دو قطعه چوب خشک تولید آتش میکنند.

در قرون اخیره هیچ طایفهء وحشی دیده نشده است که بدون‏ آتش زندگانی کند.ولی پاره‏ای اقوام هستد که طریق افروختن‏ آتش را نمیدانند و هر کجا آتشی ببینند برمیدارند و با خود حمل میکنند و حتی الامکان نمیگذارند خاموش شود.هنوز در میان بیشتر طوایف بدوی‏ طریقهء متداولی ایجاد آتش همان بهم مالیدن دو قطعه چوب است.

احترام‏ آتش

انسان اوّلیّه آتش را مانند یک عطیهء الهی‏ مقدّس شمرده بچشم احترام در آن میدید.ملل‏ قدیمهء چین،هند،مصر،ایران،یونان و روم‏ در برابر آتش قربانی و نیایش میکردند و احترامشان‏ نسبت به آتش بدین ملاحظه بود که سرچشمهء حرارت و روشنائی است، پدر،مادر،فرزندان و سایر اعضاء خانواده پس از انجام کارهای روزانه‏ کنار آتش گرد میآیند و این اجتماع سبب فزونی محبّت و مزید اتحاد و مودت فامیل میشود.

آتشکده

مخصوصا جنس آری توجه خاصی به آتش‏ داشته،هرجا تشکیل اجتماع میدادند آتش مقدّس‏ را که بمنزلهء حافظ حقیق مکان بود در وسط قرارگاه خود میافروخته و برای احتیاجاتشان‏ از آن استفاده میکردند.پس از آنکه دستجات رحاتله در سرزمینی‏ رحل اقامت میافکندند و آنجا به مرور زمان وطن اخلافشان میشد در هر ناحیه یک کانون عمومی-یعنی آتشکدهء ملی-ایجاد میکردند.

کنمت گوبینو در تاریخ ایرانیان مینویسد:«آرینها در موقع ورود به فلات ایران به قابیلی چند منقسم بودند و پیوسته بطرف اراضی که‏ جدیدا کشف میکردند پیش می‏آمدند درحالی‏که زنان و کودکان و گاوان و گوسپندان و چارپایان و سگان خود را همراه داشتند و در تجسس جائی‏ بودند که قابل کشت و زرع و دارای مراتع وافر و آبهای جاری و در هنگام حملهء دشمن سهل الدفاع باشد.از قرار معلوم قرا و قصبات‏ اولیهء ایشای به نیت قلعه‏سازی انتخاب میشده:بدوا محوطهء مربعی را طرح‏ریزی میکردند بطول یک میدان-یعنی آنقدر فضائی که اسب را بتاخت بیاندازند و بمیل خود یکنفس مدود.در وسط آن محوطه آتش‏ مقدس را می‏افروختند که برای احتیاجات عادی خود از آن استفاده کنند و با کمال دقت شب و روز محترما مواظب بودند که خاموش نشود.پس‏ از سه روز آنرا بآتشکده عمومی حمل میکردند و بجای آن آتش دیگری‏ می‏افروختند.در جنب آتشکده حوض و آبگیری به تناسب جمعیّتی‏ که در آن آبادی رحل اقامت می‏افکندند حفر کرده و آب در آن جاری‏ می‏ساختند و پیوسته مراقب بودند که پلیدی و کثافتی در آن نیافتد. همینکه آتشکده و آبگیر ساخته میشد به ترتیب مسکن خود و آغل‏ چارپایان می‏پرداختند.»

نوبهار بلخ

قانون مقدس نگاهداری آتش مسلما یکی از قدیمترین قوانینی است که آئین ملی شعب اولیهء نژاد ابیض مخصوصا جنس آری را تشکیل میداده. در رم هر خانه آتشکده خاصی داشته که مدام‏ یک شعلهء آتش مقدس در کانون آن مشتعل بوده است.

ایرانیان باستان آتش را یکی از عناصر اربعه می‏شمرده مقدس‏ میدانستند و بدرجهء پرستش احترام میکردند.

نوبهار بلخ قدیمترین کانون ملی ایرانیان بوده است.مؤبدان‏ زرتشتی یعنی پیشوایان آئین مازدیسنی بعادت دیرینه پیوسته در آنجا بخدمت آتشکده قیام میکرده و نمیگذاشته‏اند آن شعلهء مقدس که سرچشمه‏ حرارت و روشنائی و وسیلهء اتحاد و شمع انجمن نیاگانشان بوده است‏ خاموش بشود.